



کریمی ثانی، پرویز، اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۴). اثربخشی الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر کیفیت زندگی زناشویی. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۵(۱)،

۴-۱۹

اثربخشی الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر کیفیت زندگی زناشویی

پرویز کریمی ثانی^۱، معصومه اسمعیلی^۲

دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۲۶ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین اثربخشی الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر کیفیت زندگی زناشویی است. جامعه آماری شامل کلیه زوجین مراجعه کننده به مراکز بهداشت تبریز بودند که بصورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردیدند. ۱۲ زوج در گروه آزمایش و ۱۲ زوج در گروه کنترل بطور تصادفی قرار داده شد. ابزار مورد استفاده برای سنجش، پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ بود. روش مورد استفاده روش نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی از شاخص‌های توزیع فراوانی و میانگین و در سطح آمار استنباطی از تحلیل کوواریانس استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که الگوی آموزشی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر بهبود ابعاد نظیر رضایت زناشویی، ابعاد و موضوعات شخصیتی، ارتباطات، حل تعارض، مسایل مالی، اوقات فراغت، ارتباط با خانواده اصلی و دوستان، نقش‌های همسری و جهت‌گیری مذهبی و معنوی تاثیر معناداری دارد. اما بر روابط جنسی و تربیت فرزند تاثیر معناداری نداشت. با توجه به ارتباط تعاملی و در هم پیچیده مسائل فردی، زناشویی و فرهنگی - اجتماعی، جهت ارتقاء کیفیت زندگی زناشویی می‌توان از الگوی آموزشی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج تدوین شده مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر در دوره‌های مشاوره قبل از ازدواج استفاده نمود.

کلید واژه‌ها: الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج، رویکرد چند بعدی بومی نگر، کیفیت زندگی زناشویی

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران، karimisani.counsel@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

آمارهای گزارش شده توسط سازمان ثبت احوال در تیریز بیانگر افزایش ۱۸/۱ درصدی میزان طلاق در سال‌های اخیر در استان آذربایجان شرقی است. و در هر شبانه روز ۱۶ طلاق ثبت شده است. بیشترین طلاق‌ها در بین افراد تازه ازدواج کرده و نیز افرادی که در دوره نامزدی بوده‌اند مشاهده گردیده است. علی‌رغم افزایش آمار طلاق هنوز هم تعداد زیادی از مشاورین و روان‌شناسان درباره نحوه ارائه آموزش و راهنمایی برای افراد در زمان قبل از ازدواج دچار سردرگمی هستند. چنین وضعیتی در مناطق آذربایجان به دلیل مسائل فرهنگی و عدم بومی سازی موضوعات آموزشی در زمینه راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج بیشتر به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد برای تدوین و اجرای دوره راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج در این مناطق باید به عوامل مختلف در کنار واقعیات فرهنگ بومی توجه اساسی گردد (Youngers national organization, 2011).

الگوهای مختلفی نظیر الگوی ارتباط، الگوی معاشقه^۱ (Sheffield, 2008) الگوی ابهام زدایی^۲ و الگوی اضطراب مبرم^۳ (Alder, 2005) به تبیین عوامل مربوط به ازدواج موفق، دوره نامزدی، ارتباط موفق و کیفیت زندگی زناشویی پرداخته‌اند. در زمینه پیش‌بینی کیفیت و ثبات زندگی زناشویی، از میان الگوهای مذکور، جامع‌ترین الگو در طول ۵۰ سال، الگوی ارتباط است. الگوی ارتباط فهرست جامعی از عوامل پیش‌بینی‌کننده قبل از ازدواج را در مورد ازدواج موفق ارائه می‌نماید (Busby & Et al, 2005). نتایج الگوی ارتباط بر اساس یک رویکرد رشدی بومی است با توجه به این الگو چهار مجموعه عمده از عوامل قبل از ازدواج می‌توانند پیش‌بینی‌کننده کیفیت زندگی زناشویی باشند. این عوامل عبارتند از: عوامل فردی، عوامل خانوادگی و خویشاوندی، عوامل زناشویی و عوامل فرهنگی (Sunro, 2007).

بر اساس این رویکرد، زن و شوهر در هنگام ازدواج و نیز بعد از آن ضمن توجه به عوامل مختلف فردی، خانواده مبداء، زناشویی، فرهنگی - اجتماعی و معنوی باید بر روی ابعاد مختلف شناختی، اخلاقی، عاطفی و رفتاری و حتی جسمانی کار کنند و مهارت‌های مناسب برای هر بعد را با توجه به عوامل مذکور کسب کنند. بطور کلی می‌توان گفت رویکرد چند بعدی بومی‌نگر، تلفیقی از ابعاد مختلف رویکردهای شناختی، رفتاری، هیجان مدار و معنوی است با این تفاوت که در این رویکرد، کار بر روی ابعاد مختلف شناختی، اخلاقی، عاطفی و رفتاری با تاکید بر مسائل بومی و خصوصیات فرهنگی - اجتماعی انجام می‌-

1. Courtship Model

2. Disillusionment Model

3. Emergent Distress Model

گیرد. در عوامل فرهنگی بویژه عوامل انسانی نظیر صداقت، اخلاق نیکو، داشتن ایمان، احترام و پابندی به خانواده، افزایش قدرت سازگاری و میزان صبر و تحمل در کنار انعطاف پذیری منطقی و واقع بینانه متناسب با بوم و محیط در این رویکرد بسیار مورد تاکید است. چنین رویه‌ای در رویکردهای مشاوره قبل از ازدواج کمتر مشاهده می‌گردد. منظور از انعطاف پذیری بافتی این است که نوع و شکل ارتباط زن و شوهر در فضای خصوصی زناشویی، در تعامل با خانواده‌های یکدیگر و در تعامل با مسائل فرهنگی و اخلاقی ممکن است شکل‌های کاملاً متفاوتی پیدا کند. در بعضی از موقعیت‌ها ممکن است زن و شوهر بسیار صمیمی و در مواقع دیگر تا حدودی رسمی باشند. همچنین توجه همزمان به همسر و والدین، گرایش به سوی زندگی خصوصی و زناشویی و در عین حال پابندی به آداب و رسوم نیازمند تغییر نقش در موقعیت‌های مختلف است. چنین تغییر نقش‌هایی که بسیار متأثر از بافت مذکور است و یکی از لازمه‌های زندگی محسوب می‌شود در مناطق شمال غرب ایران بخصوص تبریز بسیار دیده می‌شود. انعطاف پذیری اشاره به تغییر و انعطاف در چهار بعد شناختی، اخلاقی، عاطفی و رفتاری در جنبه‌های مختلف زندگی متناسب با بافت جامعه دارد. همچنین در زمینه مسائل فرهنگی مواردی نظیر رو راست بودن، تاکید بر غیرت و ناموس، سازش و فداکاری، توجه به معنویات و پابندی به خانواده، احترام به بزرگترها و تعلق ویژه به خانواده و فرهنگ از جمله خصوصیات زندگی زناشویی در فرهنگ آذربایجان است. علاوه بر این در مناطق مذکور، شاهد تغییر سبک زندگی افراد به سوی زندگی هسته‌ای نیز هستیم. کسی که در این مناطق می‌خواهد تشکیل زندگی بدهد اصولاً بهتر است از انعطاف‌پذیری کافی برخوردار باشد و در کنار نوگرایی و تغییر سبک زندگی، لازم است به آداب و رسوم و ارزش‌ها نیز توجه نماید (Youngersnational organization, 2011). با وجود چنین خصوصیات و حساسیت‌های فرهنگی، در بعضی از موارد شاهد برگزاری دوره‌های مختلف آموزش برای مشاوره قبل از ازدواج هستیم که کمتر به این مولفه‌ها توجه می‌شود. بر این مبنا و با نگاه چند بعدی جلسات مختلف آموزشی تدوین و آموزش‌های لازم برای افراد در آستانه ازدواج ارائه گردیده است. همچنانکه اشاره شد رویکرد چند بعدی بومی نگر متأثر از شیوه برنامه غنی‌سازی/آمادگی نیز است. زیربنای نظری برنامه برنامه غنی‌سازی/آمادگی بر اساس این فرض استوار است که کیفیت روابط زناشویی و ازدواج موفق می‌تواند از طریق عوامل قبل از ازدواج پیش بینی شود (Olson & Olson-sigg, 1999). رویکرد پیشگیرانه این برنامه بر شناسایی عوامل مرتبط با موفقیت زناشویی، ارزیابی زوجین در مورد آن عوامل، ارائه بازخورد زوجین و تمرین‌های ارائه شده جهت کمک به زوجین در مواجهه با حیطه‌های مشکل می‌پردازد. یکی از نقاط ضعف برنامه غنی‌سازی توجه

کمتز به عوامل بافتی است. بازنگری برنامه‌های مشاوره قبل از ازدواج نیز نشان می‌دهد که یکی از ضعف‌های عمده این برنامه‌ها عدم توجه به عوامل بافتی نظیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی و نگنجاندن مهارت‌های متناسب با آنها برای زوجین است (Childs, 2009). در رویکرد چند بعدی بومی نگر تلاش گردیده است این ضعف با توجه به نتایج کارآمد الگوی ارتباط^۱ با تاکید بر عوامل مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی - فرهنگی، معنوی و عوامل مربوط به زوجیت و سایر عواملی که از طریق روش گراندد تئوری و تجارب مشاوره ای بدست آمده است جبران گردد.

در حال حاضر در دوره‌های آموزش مشاوره قبل از ازدواج به موضوعات عمده و مهارت‌های چندگانه برای زندگی پرداخته نمی‌شود و مطالب به صورت پراکنده و گاه بدون پیشینه پژوهشی و بدون در نظر گرفتن فرهنگ بومی ارائه می‌شوند. در حالت کلی در ایران در کلاس‌های مشاوره قبل از ازدواج، بیشتر بر موضوعاتی نظیر تنظیم خانواده و راه‌های مقابله با بارداری در جلسات بسیار کوتاه مدت تاکید می‌شود. در حالی که جوانان برای ازدواج به یادگیری مهارت‌ها و عواملی فراتر از این نیازمند هستند. با توجه به اینکه آمار طلاق در سال ۱۳۸۸ در استان آذربایجان شرقی ۱۸ درصد افزایش پیدا کرده است و عواملی نظیر عدم تفاهم، دخالت دیگران، مسایل اقتصادی، اعتیاد، بالا بودن تحصیلات، انتخاب خود گزینشی همسر و عدم مشورت با خانواده، عدم گذراندن دوره‌های آموزشی، عدم تطابق فرهنگی، خیانت و عدم مراجعه به مراکز مشاوره به عنوان عوامل عمده طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه مطرح شده است (Registry office og East Azarbaijan, 2011). وجود چنین عواملی و افزایش درصد میزان ازدواج‌های ناموفق در استان آذربایجان شرقی و بخصوص در شهر تبریز و نیز محدود شدن کلاس‌های مشاوره قبل از ازدواج در ایران به تنظیم خانواده، این ضرورت مطرح می‌گردد که به شکل خاص تری به مسئله ازدواج‌های موفق و استفاده از رویکردهای بومی در شهر تبریز پرداخته شود. بدین ترتیب هدف اصلی این مطالعه، تعیین اثربخشی الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر کیفیت زندگی زناشویی است.

روش

روش پژوهشی مورد استفاده روش نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری شامل کلیه زوجین مراجعه کننده به مراکز بهداشت تبریز بودند زوجینی که در آستانه

ازدواج بوده و برای اولین بار ازدواج کرده و در دوران نامزدی به سر می‌بردند. با توجه به هدف پژوهش برای انتخاب افراد به منظور بررسی تاثیر بسته یا الگوی آموزشی تدوین شده بر میزان دستیابی به ازدواج موفق و افزایش رضایت زناشویی ۲۴ زوج (۴۸ نفر) از افراد از یکی از مراکز بهداشت واقع در قسمت مرکزی شهر بصورت نمونه‌گیری در دسترس از طریق فراخوان و ثبت‌نام از همان جامعه فوق‌الذکر انتخاب گردید که ۱۲ زوج در گروه آزمایش و ۱۲ زوج در گروه کنترل بطور تصادفی قرار داده شد. ابزار مورد استفاده برای سنجش پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ بود. نسخه اصلی آزمون دارای ۱۱۵ سوال است که شامل تحریف‌آرمانی، رضایت زناشویی، ابعاد و موضوعات شخصیتی، ارتباطات، حل تعارض، مسایل مالی، اوقات فراغت، روابط جنسی، تربیت فرزند، ارتباط با خانواده اصلی و دوستان، نقش‌های همسری و جهت‌گیری مذهبی و معنوی است (Sanaei & et al. 2001). السن و دیگران اعتبار فرم اخیر را با استفاده از روش ضریب آلفا ۹۲٪ گزارش کرده‌اند در کشور ما اولین بار سلیمانیان و نوابی نژاد هم بستگی درونی آزمون را برای فرم بلند ۹۳٪ و برای فرم کوتاه ۹۵٪ محاسبه گزارش کرده‌اند (Sanaei & et al. 2001). در یک پژوهشی اعتبار آزمون با استفاده از ضریب هم‌بستگی پیرسون و با روش باز آزمایی، به فاصله یک هفته (برای مردان ۹۳٪، برای زنان ۹۴٪ و برای مردان و زنان ۹۴٪) به دست آمد. این ضرایب برای خرده‌مقیاس‌های هدف‌گزینی، رضایت زناشویی، مسایل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزند پروری خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبی و جهت‌گیری مذهبی گروه زنان و مردان به ترتیب عبارت بودند از: ۷۲٪، ۸۵٪، ۷۶٪، ۷۶٪، ۷۶٪، ۸۱٪، ۶۳٪، ۶۹٪، ۸۷٪، ۶۹٪، ۶۲٪، ۷۳٪ و ضریب الفای ۴۸ سوالی پرسشنامه در پژوهش میرخشتی ۹۲٪ به دست آمده است (Sanaei & et al. 2001). به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی از شاخص‌های توزیع فراوانی و میانگین و در سطح آمار استنباطی به صورت کلی از تحلیل کوواریانس استفاده گردید.

ویژگی‌های الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر

پژوهش کیفی با استفاده از گراندد تئوری در راستای شناسایی عوامل مختلف قبل از ازدواج به منظور پیش‌بینی ازدواج‌های موفق و مشاوره قبل از ازدواج کارآمد از یک سو و از سوی دیگر تجارب مشاوره‌ای، الگوگیری از نتایج کارآمد الگوی ارتباط و برنامه‌غنی‌سازی/آمادگی و نیز نگاه بومی و چند بعدی مبنای شکل‌گیری این رویکرد بوده است. این الگوی آموزشی طی ۱۰ جلسه هر هفته یکبار یا دوبار و هر بار ۹۰-۱۲۰ دقیقه اجرا گردید. در هر جلسه برای هر چهار بعد آموزشی بطور جداگانه نزدیک نیم

ساعت در نظر گرفته می‌شود. ۸ جلسه مشاوره و آموزش مهارت‌ها با حضور زوجین و یک مشاور، ۱ جلسه مربوط به مسائل جنسی با حضور مشاور با آقایان و خانم‌ها بصورت جداگانه به دلیل مسائل فرهنگی و نیز ۱ جلسه هم با حضور مشاور و والدین زوجین برگزار می‌گردد. تعداد اعضای جلسات ۱۲ زوج (زن و شوهر) است. ساختار اجرایی تمام جلسات: ۱- مرور تکالیف جلسه قبل، ۲- کار روی محتوا و شیوه افکار: پرسیدن سوال، آموزش، تمرین، بحث گروهی، ۳- کار روی بعد اخلاقی: پرسیدن سوال، آموزش، تمرین، بحث گروهی، ۴- کار روی بعد عاطفی: پرسیدن سوال، آموزش، تمرین، بحث گروهی، ۵- کار روی بعد رفتاری: پرسیدن سوال، آموزش، تمرین، بحث گروهی ۶- ارائه تکلیف متمرکز بر جلسه جاری و بعد.

جدول ۱. ساختار جلسات

جلسه اول، معرفی فرایند گروه و مرور برنامه همراه با تمرین آرام سازی معنوی و تغییر نقش
جلسه دوم، ابراز محبت و همدلی با استفاده از چرخه انعطاف پذیری بافتی
جلسه سوم، مهارت سازش و حل تعارض
جلسه چهارم، کنترل خشم با استفاده از چرخه انعطاف پذیری بافتی
جلسه پنجم، رابطه جنسی با استفاده از چرخه انعطاف پذیری بافتی
جلسه ششم، نحوه مشارکت و تصمیم گیری در امور خانه (مدیریت امور مالی، کاری، فراغت و تحصیلی) با استفاده از چرخه انعطاف پذیری بافتی
جلسه هفتم، مهارت انجام کارهای خانه و تصمیم گیری برای امور زندگی (فعالیت مذهبی، نحوه پوشش و نحوه اجرای عروسی) با استفاده از چرخه انعطاف پذیری بافتی
جلسه هشتم، مهارت تعامل با خانواده مبدا با استفاده از چرخه انعطاف پذیری بافتی
جلسه نهم، آموزش به والدین زوجین با استفاده از چرخه انعطاف پذیری
جلسه دهم، پایان دوره‌ی و جمع بندی

یافته‌ها

داده‌های توصیفی

جدول ۲. نمرات میانگین پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایش و کنترل

مولفه‌ها	آزمایش		کنترل	
	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون
رضایت زناشویی	۱۷/۰۸	۲۹/۲۰	۱۷/۶۲	۱۹/۸۳
موضوعات شخصیتی	۱۷/۹۵	۲۵/۷۹	۱۸/۴۵	۲۰/۱۶
ارتباط	۱۴/۲۹	۲۲/۶۶	۱۵/۰۸	۲۰/۷۵

حل تعارض	۲۰/۱۶	۲۶/۹۵	۱۹/۰۸	۱۹
مسائل مالی	۱۸/۷۹	۲۱/۰۴	۱۸/۱۶	۱۸/۷۹
اوقات فراغت	۱۸	۲۶/۰۴	۱۷/۳۷	۲۱/۲۰
رابطه جنسی	۱۵/۴۱	۲۱/۰۸	۱۶/۶۲	۱۸/۰۴
تربیت فرزند	۷/۲۹	۹/۴۵	۷/۵۸	۸/۲۵
خانواده و دوستان	۱۷/۰۸	۳۳/۲۵	۱۶/۹۱	۲۶/۵۸
نقش‌های همسری	۱۵/۶۶	۳۲/۶۶	۱۵/۷۵	۲۶/۴۵
جهت‌گیری مذهبی	۱۸/۵۸	۳۴/۲۰	۱۹/۲۵	۲۶/۹۱

بر اساس اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۲ در گروه آزمایش بعد از بکارگیری الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر، تغییر قابل ملاحظه‌ای شکل گرفته و از بین مولفه‌های کیفیت زندگی، بیشترین تغییر در مولفه مربوط به نقش‌های همسری صورت گرفته است. تفاضل نمره پیش آزمون و پس آزمون آن ۱۷ است کمترین تغییر نمره بین پیش آزمون و پس آزمون در گروه آزمایش مربوط به مولفه تربیت فرزند است. در گروه کنترل تغییر برجسته‌ای مشاهده نمی‌گردد.

یافته‌های مربوط به فرضیات پژوهش

برای آزمون این سوال که تاثیر الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر کیفیت زندگی زناشویی و ابعاد آن چگونه است از تحلیل کوواریانس استفاده شد. برای تمام موارد مورد تاکید قبل از استفاده از تحلیل کوواریانس مفروضه نرمال بودن و یکسانی شیب خط رگرسیون بررسی و محاسبه گردید.

جدول ۳. آزمون تحلیل کوواریانس

آزمون تحلیل کوواریانس						
مولفه	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذورات
رضایت زناشویی	۱۰۱۴/۰۵۳	۱	۱۰۱۴/۰۵۳	۱۰۵/۱۳۴	۰/۰۰۰	۰/۷۱۰
شخصیت	۳۹۷/۳۱۲	۱	۳۹۷/۳۱۲	۶۳/۷۶۹	۰/۰۰۰	۰/۵۹۷
ارتباط	۵۲/۰۷۶	۱	۵۲/۰۷۶	۷/۸۶۰	۰/۰۰۸	۰/۱۵۵
حل تعارض	۵۶۷/۹۳۱	۱	۵۶۷/۹۳۱	۲۲/۲۵۷	۰/۰۰۰	۰/۳۴۱
مسائل مالی	۵۹/۸۳۶	۱	۵۹/۸۳۶	۱۵/۶۶۰	۰/۰۰۰	۰/۲۶۷
اوقات فراغت	۲۸۷/۱۵۰	۱	۲۸۷/۱۵۰	۱۳/۷۸۲	۰/۰۰۱	۰/۲۴۳

۰/۰۰۷	۰/۵۹۰	۰/۲۹۵	۱۱/۱۵۶	۱	۱۱/۱۵۶	رابطه جنسی
۰/۰۵۶	۰/۱۱۹	۲/۵۳۷	۴/۵۰۰	۱	۴/۵۰۰	تربیت فرزند
۰/۰۹۷	۰/۰۳۷	۴/۶۲۰	۱۷۶/۱۳۶	۱	۱۷۶/۱۳۶	ارتباط با خانواده اصلی و دوستان
۰/۱۱۱	۰/۰۲۵	۵/۳۸۳	۲۲۹/۲۲۱	۱	۲۲۹/۲۲۱	نقش های همسری
۰/۴۳۲	۰/۰۰۰	۳۲/۷۱۴	۵۹۶/۵۸۶	۱	۵۹۶/۵۸۶	جهت گیری مذهبی-معنوی

چنانچه در جدول شماره ۳ مشاهده می شود تاثیر الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر رابطه جنسی ($p > 0/05$) و تربیت فرزند ($p > 0/05$) معنادار نیست. معذور اما برای رابطه جنسی ۰/۰۰۷ و برای تربیت فرزند ۰/۰۵۶ بود و این مقدار بسیار پایین است در سایر موارد تاثیر الگوی بکاربرده شده معنادار بوده است.

نتایج به دست آمده از تحلیل کوواریانس مندرج در جدول شماره (۳) بطور کلی به شرح زیر است:

۱-۱. الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر افزایش میزان رضایت زناشویی تاثیر معناداری دارد. یافته پژوهشی با نتایج پژوهش های (Pakghohar, 2007) و (Williams & Lawler, 2003) البته با در نظر گرفتن جوانب احتیاط (تحقیقات متفاوت در زمینه آموزش- های متفاوت مشاوره قبل از ازدواج، پرسشنامه های متفاوت ولی با شباهت هایی در متغیر وابسته) همخوانی دارد. در پژوهشی که در تهران به منظور بررسی تاثیرات مشاوره قبل از ازدواج بر رضایت زناشویی انجام گرفت از بین زوجین مراجعه کننده به مراکز منتخب بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۳۲ زوج در گروه شاهد و ۳۲ زوج در گروه آزمایش بطور تصادفی مورد بررسی قرار گرفتند گروه آزمایش در چهار جلسه آموزشی یک ساعته که توسط پژوهشگر ارائه می شد شرکت کردند در این جلسات بیشتر بر جنبه های مختلف مسائل جنسی و مهارت های ارتباطی و حل تعارض تاکید شده است. گروه شاهد فقط در کلاس های عادی این مراکز که بر روی مسائل تنظیم خانواده و آزمایشات قبل از ازدواج متمرکز بود شرکت کردند نتایج بعد از ۴ ماه نشان داد که میانگین رضایت جنسی، رضایت غیر جنسی و رضایت زناشویی در گروه آزمایش بیشتر از گروه شاهد است و تفاوت مشاهده شده معنادار بوده است (Pakghohar, 2007). تحلیلی در مورد ۲۳ مطالعه ای که در طول ۳۰ سال گذشته انجام گرفته است نشان داد زوجینی که مشاوره قبل از ازدواج دریافت کرده بودند ۳۰ درصد نمره آنها در مقوله های ارتباط و رضایت زناشویی نسبت به زوجینی که در مشاوره قبل از ازدواج شرکت نکرده بودند بالاتر بود. بر این

اساس زوجین از طریق مشاوره قبل از ازدواج قوی تر و رضایت زناشویی بیشتری را کسب کردند (Williams & Lawler, 2003).

۱-۲. الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر بهبود ابعاد و موضوعات شخصیتی تاثیر معناداری دارد. یافته پژوهشی با نتایج پژوهش های (Lehrer, 2006)، (Kim & Etal, 1989) و (Watson & Et al, 2004) البته با در نظر گرفتن جوانب احتیاط همخوانی دارد. بطور کلی طلاق زمانی بیشتر رخ می‌دهد که خصوصیات زن و شوهر و یا میزان همسانی آنها در سطوح پایین تری است به حدی که سودمندی حاصل از ازدواج نسبتا کم بود و انتظارات غیر منطقی زن و شوهر نسبت به هم روز به روز بیشتر می‌گردد و باعث تضعیف بهزیستی روانی یکدیگر می‌گردند (Lehrer, 2006). کیم و همکاران به این نتایج دست یافته اند که عوامل شخصیتی ازدواج باثبات را از ازدواج بی ثبات تفکیک می‌کند (Kim & Etal, 1989). عوامل شخصیتی که احتمال ثبات و رضایتمندی را کاهش می‌دهند عبارتند از: فقدان صمیمیت و برونگرایی، پرخاشگری منفعلانه، اختلالات مرزی، اختلالات دوقطبی، احساس ناامنی، عدم وجود زیبایی، کم ارزشی و درماندگی، عدم توافق، بی ثباتی هیجانی، سوء استفاده جسمی، بی‌ملاحظگی، افسردگی، بیماری روان نژندی، تنش، اضطراب، دلواپسی و سوءظن، خصومت، دفاعی بودن و پرخاشگری. بر اساس یافته های پژوهشی قابلیت توافق و سازش یکی از پنج عامل شخصیتی است که با مهربانی ارتباط زیادی دارد و تحقیقات نشان داده است میزان قدرت سازش با رضایت از ارتباط از طریق تاثیرگذاری بر عواطف زوجین رابطه دارد (Watson & Et al, 2004).

۱-۳. الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر بهبود ارتباط زوجین تاثیر معناداری دارد. یافته پژوهشی با نتایج پژوهش های (Halford, Markman, Kline, & Stanley, 2003) و (Mazlomi, 2008) البته با در نظر گرفتن جوانب احتیاط همخوانی دارد. هالفورد و همکاران در بازنگری ۱۲ برنامه آموزش در زمینه ازدواج به شواهد محکمی دست یافتند که بر آموزش مهارت‌های ارتباطی در کمک به زوجین تاکید داشت (Halford, Markman, Kline, & Stanley, 2003). همچنین بیشتر درمانگران اولین گام برای بهبود عملکرد زوج‌ها را آموزش مهارت‌های ارتباطی می‌دانند. بر این اساس مشکلات ارتباطی شایع ترین شکایتی است که زوج های خواهان کمک بیان می‌کنند. امروزه رویکردهای مختلفی به نام رویکردهای پیشگیرانه در زمینه بهبود روابط در خانواده بوجود آمده‌اند که بیشتر از درمان بر بهبود و ایجاد مهارت‌های ارتباطی قبل از روبروشدن زوج‌ها با مشکلات تاکید می‌کنند. بعضی از این رویکردها شامل روش‌هایی چون تقویت رابطه، برنامه غنی‌سازی، برنامه کاربردی عملی

مهارت‌های مربوط به رابطه صمیمانه و برنامه‌پیشگیری و تقویت ارتباط است (Mazlomi, 2008).

۴-۱. الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر حل تعارض بین زوجین تاثیر مثبت معناداری دارد. یافته پژوهشی با نتایج پژوهش‌های (Carroll & Doherty, 2003)، (Morris & Carter, 1999) و (Gottman & Notarius, 2002) البته با در نظر گرفتن جوانب احتیاط همخوانی دارد. کارول و دوهرتی بعد از بازنگری برنامه‌های پیشگیری قبل از ازدواج به این نتیجه دست یافتند مهارت مدیریت تعارض یکی از بخش‌های اصلی هر برنامه است (Carroll & Doherty, 2003). پژوهش‌ها نشان داده است که تعارض پیش از ازدواج و پرخاشگری جسمانی مربوط به مسائل عروسی پیش‌بینی‌کننده تعارض زناشویی و خشونت بعد از ازدواج است (Morris & Carter, 1999). نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که یکی از مهارت‌هایی که بطور ثابت در این برنامه‌ها وجود دارد مدیریت تعارض است همچنین بررسی محتوای برنامه‌های مختلف مشاوره قبل از ازدواج با رویکردهای متفاوت نشان داد که یکی از محتوای رایج در همه این برنامه‌ها تمرکز بر آموزش تعامل و مهارت‌های مدیریت تعارض است. هر یک از برنامه‌های بازنگری شده بر همدلی و گوش دادن فعال به عنوان عوامل ضروری تعامل موثر تاکید می‌نمایند (Gottman & Notarius, 2002). تعارض غالباً بدیهی‌ترین عنصر در آشکار شدن اولیه‌ی مشکلات ارتباطی است اما همیشه منجر به آشفتگی عمده نمی‌شود. کنترل غیر موثر تعارض، بیشتر بر آشفتگی ارتباط تاثیر می‌گذارد بدین شکل که مسائل مهم رابطه حل نشده باقی می‌ماند و لذا این مسائل غالباً منبع تعارض‌های تکراری می‌شوند (Halford, 2009).

۵-۱. الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر بهبود مدیریت مسائل مالی تاثیر معناداری دارد. یافته پژوهشی با نتایج پژوهش‌های (Boehi & Et al, 1997)، (Salarifar, 2008) و (Bouchard, Lussier & Sabourin, 1999) البته با در نظر گرفتن جوانب احتیاط تحقیقات متفاوت در زمینه آموزش‌های متفاوت مشاوره قبل از ازدواج، پرسشنامه‌های متفاوت ولی با شباهت‌هایی در متغیر وابسته همخوانی دارد. مسائل مالی در صورتی که بدرستی مدیریت نشود می‌تواند به آسانی منجر به شکست در ازدواج شود (Boehi & Et al, 1997). تحقیقی دیگری در ایران نشان می‌دهد از میان متقاضیان طلاق ۱۲ درصد علت درخواست طلاق را مشکل امرار معاش، ۴ درصد بیکاری، ۱۱ درصد ندادن نفقه اعلام کرده‌اند (Salarifar, 2008). بر اساس نتایج پژوهش‌های مختلف عوامل موثر بر از هم‌پاشیدگی زندگی زناشویی و طلاق عبارتند از: شغل و درآمد زوجین، عدم مدیریت صحیح مالی، عصبانیت و سایر خصوصیات شخصیتی نظیر عزت نفس پایین، اضطراب و افسردگی (Bouchard, 2008).

(Lussier & Sabourin, 1999).

۱-۶. الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر اوقات فراغت زوجین و بهبود مدیریت آن تاثیر معناداری دارد. یافته پژوهشی با نتایج پژوهش‌های (Fowers, Montel & Olson, 1996) البته با در نظر گرفتن جوانب احتیاط همخوانی دارد. بر اساس نتایج پژوهش‌های مختلف عوامل موثر بر از هم پاشیدگی زندگی زناشویی و طلاق عبارتند از: مشکلات مربوط به اوقات فراغت، عدم هماهنگی و برنامه ریزی با هم و روابط جنسی (Fowers, Montel & Olson, 1996) افزایش حالات دفاعی، بالاتر بودن میزان خصومت نسبت به صمیمیت، نارضایتی عادت‌های همسر، مشکلات مربوط به تعامل و حل مسئله .

۱-۷. الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر تغییر مسائل مربوط به روابط جنسی تاثیر معناداری ندارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تعداد زیادی از زوجین در زمینه انتقال احساس شهوانی خویش در قبل از ازدواج تا موعد ازدواج زمان دشواری را سپری می‌کنند بخاطر اینکه آنها انتظارات نادرستی درباره روابط جنسی دارند، فاقد اطلاعات هستند و یا بصورت آشکار و روشن نمی‌توانند درباره مسائل جنسی با هم صحبت کنند (Penner & Penner, 1998). حساسیت زیاد نسبت به مسائل جنسی، عدم آشکارسازی مطالب در زمینه جنسی توسط شرکت کننده، عدم همکاری کافی و جدا نمودن زن و شوهر از یکدیگر در هنگام آموزش در زمینه مسائل جنسی نیز می‌تواند از دلایل عدم معناداری فرضیه فوق باشد.

۱-۸. الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر تغییر مسائل مربوط به تربیت فرزند تاثیر معناداری ندارد. در تبیین عدم معنادار بودن فرضیه فوق می‌توان گفت با توجه به اینکه در پژوهش حاضر افراد شرکت کننده در دوره آموزشی در دوران نامزدی بودند و هنوز به شکل واقعی و عینی با فرزندان و مسائل آنها مواجه نیستند به همین خاطر به شکل عمده نتوانسته اند مطالب فرا گرفته شده را پیاده نمایند و از آن تاثیر بپذیرند. همچنین عدم تاکید کافی بر مسائل مربوط به فرزند تربیت آن در بسته آموزشی احتمالاً دلیل دیگر در تبیین عدم معناداری این فرضیه است.

۱-۹. الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر بهبود ارتباط با خانواده و دوستان تاثیر معناداری دارد. یافته پژوهشی با نتایج پژوهش‌های (Gottman & Notarius, 2002) و (Salarifar, 2008). البته با در نظر گرفتن جوانب احتیاط (تحقیقات متفاوت در زمینه آموزش‌های متفاوت مشاوره قبل از ازدواج، پرسشنامه‌های متفاوت ولی با شباهت‌هایی در متغیر وابسته)

همخوانی دارد. تحقیقات نشان می‌دهند که سودمندی آموزش مهارت‌های ارتباطی در برنامه‌های مشاوره قبل از ازدواج تثبیت شده است (Gottman & Notarius, 2002). پژوهش‌ها در کشور نشان داده است که ۲۷ درصد از متقاضیان طلاق در ایران دخالت بی‌جای خویشاوندان و آشنایان را علت تقاضای جدایی دانسته‌اند. (Salarifar, 2008).

۱۰-۱. الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر بهبود نقش‌های همسری تاثیر معناداری دارد. یافته پژوهشی با نتایج پژوهش‌های (Markman & Hahlweg, 1993) و (Badger, 2005) البته با در نظر گرفتن جوانب احتیاط همخوانی دارد. بر اساس نتایج پژوهش‌های مختلف عوامل موثر بر از هم پاشیدگی زندگی زناشویی و طلاق عبارتند از: تعامل منفی، کناره‌گیری، انزوا، عدم ارزشگذاری و واگذاری مسئولیت‌های خانه بر دوش یکی از همسران (Markman & Hahlweg, 1993). بعضی از محققین معتقدند که آمادگی زناشویی با شایستگی زناشویی ارتباط دارد. شایستگی زناشویی عبارتست از: توانایی انجام نقش‌های زناشویی به شیوه‌ای که نیازهای عمده و ویژه زوجین در روابط زناشویی برآورده شود (Badger, 2005).

۱۱-۱. الگوی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر بر بهبود جهت‌گیری مذهبی و معنوی تاثیر معناداری دارد.

یافته پژوهشی با نتایج پژوهش‌های (Hawkins & Et al, 2004)، (Wamboldt & Reiss, 1989)، (Boykin, 2004)، (Markman & Hahlweg, 1993) و (Kigin, 2005) البته با در نظر گرفتن جوانب احتیاط همخوانی دارد. هاوکینز و همکاران چارچوب جامعی را در جهت تدوین برنامه آموزش ازدواج پیشنهاد می‌نمایند این نویسندگان معتقدند محتوای آموزشی همچنین باید انگیزش و پاکدامنی را که با حفظ پیامدهای مثبت زندگی زناشویی ارتباط دارد تقویت کند و افزایش دهد (Hawkins & Et al, 2004). وام‌بلدت و رییس (۱۹۸۹) نشان دادند که هویت زوجین زمانی به بهترین صورت شکل می‌گیرد که زن و شوهر به شکل یک الگوی مشارکتی در زمینه جنبه‌های ارزشی رابطه به اجماع و توافق برسند (Wamboldt & Reiss, 1989). بویکین با انجام یک مطالعه کیفی مبتنی بر گراندد تئوری و در مورد اینکه چگونه بعضی از زوجین بخصوص نوجوانان متأهل به ازدواج موفق دست می‌یابند به این نتایج دست یافت که آنها عواملی نظیر تعهد، تعامل، ارزشهای مشترک، معنویت، صمیمیت و خانواده را به عنوان عوامل عمده و تاثیر گذار بر موفقیت آمیز بودن ازدواج شان معرفی نمودند (Boykin, 2004). بر اساس نتایج پژوهش‌های مختلف عوامل موثر بر از هم پاشیدگی زندگی زناشویی و طلاق عبارتند از: عدم ارزشگذاری

(Markman & Hahlweg, 1993) عدم تشابه مذهبی، نبود وجدان و حس وظیفه‌شناسی، ضعف اعتقادات مذهبی و اختلالات روانپزشکی شدید (Kigin, 2005).

نتیجه

در مورد پژوهش در زمینه الگوی آموزشی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر در پژوهش حاضر به شکل کلی بر اساس بررسی‌های پژوهشگر، پژوهش همسانی مشاهده نگردید اما پژوهش‌هایی در سایر زمینه‌ها نظیر اثربخشی خانواده‌درمانی شناختی - رفتاری و معنوی در زمینه درمان اختلال وسواس (Faghihi & Abedini, 2004) و تغییر جنسیت (Khodayarifard, Mohamadi & Abedini, 2004) در ایران مشاهده شد که به ترکیب ابعاد شناختی، رفتاری و معنوی پرداخته‌اند، کارایی این روش درمانی مورد تایید قرار گرفته است. از سوی دیگر با توجه به اینکه این رویکرد تدوین شده دارای ابعاد چندگانه و به صورت ترکیبی است به منظور تبیین اثربخشی این رویکرد به تشریح و تبیین هر یک از این ابعاد پرداخته شده است. در پژوهش‌های مختلف اثربخشی آموزش در زمینه‌های شناختی، اخلاقی، هیجانی و رفتاری بطور جداگانه‌ای مورد بررسی و کارایی آنها در عمل مورد تایید قرار گرفته است. نتایج و فرایند قسمت مربوط به ابعاد شناختی، هیجانی و رفتاری این رویکرد تدوین شده با رویکردهای مختلف در زمینه مسائل زناشویی نظیر رویکرد شناختی - رفتاری و رویکرد هیجان مدار همخوانی دارد و از فنون این رویکردها نیز استفاده شده است با این تفاوت که در الگوی آموزشی تدوین شده در این پژوهش به مسائل فرهنگی، سهم‌گذاری و انعطاف‌پذیری توجه شده است. همچنین تلفیق نمودن ابعاد مختلف این رویکردها و تاکید بر بعد اخلاقی تفاوت بارز این رویکرد با رویکردهای شناختی - رفتاری و رویکرد هیجان مدار است. بیش از ۲۵ تحقیق کنترل شده در مورد رویکرد شناختی - رفتاری وجود دارد که در آن مشخص شده است که رویکرد شناختی - رفتاری در مقایسه با عدم مداخله و تماس نزدیک مشاور برای کاهش آشفتگی زناشویی ارجحیت دارد (Markman & Hahlweg, 1993). رویکرد شناختی - رفتاری مهارت‌های ارتباطی زوجین را بهبود می‌بخشد، تعارض‌های مخرب را کاهش می‌دهد و مثبت‌اندیشی در روابط روزمره را افزایش می‌دهد. مثبت‌اندیشی به شناخت‌های درست از همسر و رابطه می‌انجامد و رضایت‌مندی از رابطه را افزایش می‌دهد (Halford, 2009).

بر اساس تحقیقات، رویکرد هیجان مدار در مقایسه با عدم مداخله و مشاوره موجب افزایش رضایت‌مندی از ارتباط می‌شود و همچنین باعث پردازش مجدد واکنش‌های عاطفی اساسی در تعاملات زناشویی می‌شود. این واکنش‌ها به توسعه سبک‌های پیوستگی امن‌تر، و الگوی متفاوت تعامل زوجین،

همدلی زوجین نسبت به تجارب یکدیگر و تدوین الگوهای جدید منتهی می‌شود (Halford, 2009). بعد اخلاقی الگوی آموزشی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر در پژوهش حاضر با درمان معنوی تناسب و همسانی دارد. در درمان معنوی بر اصولی نظیر عشق به دیگران، بخشش، پذیرش کمال و تمام دیگری، عشق به کار همراه با فداکاری و از خودگذشتگی، همکاری، احترام به دیگران و اعتقاد به خدا و معاد تاکید می‌شود. تحقیقات در مورد پیامدهای اثربخشی درمان معنوی بر مواردی نظیر افزایش میزان صبر و تحمل در برابر مشکلات، افزایش سلامت روانی و افزایش میزان امیدواری (Amy, 2003) تاکید می‌کنند. با توجه به اینکه دوره‌های آموزشی مشاوره قبل از ازدواج در ایران بیشتر متمرکز بر آموزش تنظیم خانواده است، بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر و نیز در هم پیچیدگی مسائل فردی، زناشویی و فرهنگی - اجتماعی در آذربایجان شرقی، جهت ارتقاء کیفیت زندگی زناشویی می‌توان از الگوی آموزشی راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج تدوین شده مبتنی بر رویکرد چند بعدی بومی نگر در دوره‌های مشاوره قبل از ازدواج استفاده نمود. این الگو بر ابعاد مختلف تاکید می‌کند و نگاه چند بعدی نسبت به مسائل زندگی دارد. همچنین افراد جهت انتخاب همسر مناسب می‌توانند از عوامل و مقوله‌های بدست آمده از پژوهش حاضر استفاده نمایند.

References

- Alder, M. C. (2005). *Latter-day Saint couple experience as newlyweds*. VIRGINIA Polytechnic . Institute and State University.
- Amy, L. A. (2003). The effect of religious- spiritual coping on positive attitudes of adult muslim refugees from.
- Badger, S. (2005). *Perception of marriage readiness among emerging adults*. Brigham Yong University.ETD.
- Boehi, D., Et al. (1997). *Preparing for marriage*. California, Gospel Light.
- Bouchard, G., Lussier, Y., & Sabourin, S. (1999). *Personality and marital Adjustment*. *Journal of Marriage and The Family*, 61, 651-660.
- Boykin, E. L. (2004). *Successful Teenage Marriages: A Qualitative Study of How Some Couples Have Made it Work*. Thesis submitted to the faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Masters of Sciences In Human Development.
- Busby, D. M., Gardner., & Taniguchi, N. (2005). *The family of origin parachute model: Landing safely in adult romantic relationship*. *Family Relations*, 54, 254-264.
- Carroll, J. S., & Doherty, W. J. (2003). *Evaluating the effectiveness of premarital prevention programs: A meta-analytic review of outcome research*. *Family Relations*, 52, 105-118.
- Childs, G. (2009). *Marriage preparation educational programs: an evaluation of essential elements of quality*. thesis for degree of master of science. Brigham Young University.

- Faghihi, A. N., & Abedini, Y. (2004). Application of cognitive behavioral therapy on obsessive-compulsive disorder of adolescences. Young and relax congress, GHOM, Iran. (in Persian).
- Fowers, B. J, Montel, K.H., & Olson, D.H. (1996). *Predicting marital success for premarital couple type based on PREPARE*. Journal of Marital and Family Therapy, 22, 103-119.
- Gottman, J. M., & Notarius, C. I. (2002). Marital research in the 20th century and a research agenda for the 21st century. Family Processes, 41, 159-197.
- Halford, K. (2009). Short time marital therapy, translate by Tbrizim, M & Etal, FRARAVAN Publisher, Iran. (in Persian).
- Halford, W. K., Markman, H. J., Kline, G. H., & Stanley, S. M. (2003). Best practice in couple relationship education. Journal of Marital and Family Therapy, 29(3) 385-406.
- Hawkins, A. J., Carroll, J. S., Doherty, W. J., & Willoughby, B. (2004). *A comprehensive framework for marriage education*. Family Relations. 53, 547-558.
- Hughes, R. Jr. (1994). *A framework for developing family life education programs* Family Relations, 43, 74-80.
- Kigin, M. (2005). *At-risk individuals awareness, motivation, roadblocks to participation In premarital interventions and behaviors following completion of the relationship*. Evaluation-Brigham Young University. Kim, A., Martin, D., & Martin, M. (1989). Effects of personality on marital satisfaction : Identification of source traits and their role in marital stability. Family Therapy, 16(3), (243-248).
- Khodayarifard, M, Mohamadi, M. R & Abedini, Y. (2004). Spiritual cognitive behavioral therapy of sexual transition. Behaviour and believe Journal, Iran, 3, 12-21. (in Persian).
- Lehrer, E. (2006). *Age at marriage and marital instability: Revisiting the Becker-Lades-Micheel hypothesis*. University of Illinois at Chicago and IZABONN.
- Mazlomi, S. (2008). Effect of marriage rich program on increase complaisant between normal couples. M.A dissertation. Tehran behzisti University. (in Persian).
- Markman, H. J., & Hahlweg, K. (1993). *The prediction and prevention of marital distress. An international perspective* ° Clinical Psychology review, 13, 29 ° 43.
- Morris, M.L., & Carter, S.A. (1999). Transition to marriage: A Literature Review. Journal of Family and Consumer Sciences Education. University of Tennessee-Knoxville. Vol, 17.No, 1.
- Olson, D. H., & Olson-Sigg, A. K. (1999). PREPARE/ENRICH Program: Version 2000. Retrieved April 24, 2009, from <http://www.prepare-enrich.com> .
- Pakghohar, M. (2007). Effect of pre-marriage counseling on sexual health and marital satisfaction in chients of medical- health centers of Tehran medical science Univercity. National family pathology Congress, Iran.(in Persian).
- Penner, C. L., & Penner, J. (1998). What every Wife wants her Husband to know about Sex. Nashville, TN: Thomas Nelson.
- Sabateli, R. M., & Cecil ° Pigo, E. F. (1985). Relational interdependence and commitment in marriage. Journal of Marriage and the Family, 35, 931- 937.
- Salarifar, M, Z. (2008). Family in Islam and psychology attitude. SAMT Publisher, (in Persian).
- Sanaei, B., & et al. (2001). Family Test scales. Besat Publisher, Iran. (in Persian).

- Sheffield, R. (2008). Dating in midlife: A dyadic approach to examining the influence of life course factors on partner perceptions. Brigham Young University.
- Sunro, H. (2007). Honoring your family when they are miles away: Family of origin factors affecting couple relationship satisfaction in Asian, Anglo and Asian-Anglo couples. Dissertation, Texas Tech University.
- Wamboldt, F. S., & Reiss, D. (1989). Defining a family heritage and a new relationship identity: Two central tasks in the making of a marriage. *Family Process*, 28, 317-335.
- Watson, D., Klohnen, E. C., Casillas, A., Simms, E. N., Haig, J., & Berry, D. S. (2004). Match makers and deal breakers: Analyses of assortative mating in newlywed couples. *Journal of Personality*, 72, 1029-1068.
- Williams, L. M., & Lawler, M. G. (2003). Marital satisfaction and religious heterogamy: A comparison of interchurch and same ° church individuals. *Journal of Family Issues*, 24, 1070- 1092.
- Youngers national organization. (2011). Divorce and marriage statistics. TABRIZ, IRAN.

